

مرجع‌شناسی امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

احمد مزینانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۷/۱۵

چکیده

در مطالعات امنیتی توجه به مراجع امنیت به دلیل نقش تعیین‌کننده‌ای که این مراجع در تداوم حیات نظام سیاسی دارند از اهمیت بیشتری برخوردار است. بی‌شک دانش امنیتی به عنوان یک علم بین‌رشته‌ای، دارای رابطه‌ی معنی‌داری با حوزه‌های مختلف اجتماعی است.

مراجع امنیت در حقیقت عناصر اصلی تضمین بقاء نظام سیاسی هر کشور هستند که از درون مجموعه‌ای از اندیشه‌های کلان راهبران و سایر منابع حاوی پیام‌های ایدئولوژیکی نظام سیاسی خارج می‌شود و به‌عنوان خطوط قرمز نظام به شمار می‌آید که تهدید آن‌ها به منزله تهدید ساختار نظام سیاسی محسوب می‌شود. این مراجع اغلب در پیام‌های اصلی مکتوب و یا شفاهی مورد استناد رهبران جامعه، متجلی می‌شود.

قانون اساسی هر کشور و از جمله جمهوری اسلامی ایران در حقیقت مرجع اصلی سنجش و ارزیابی درست و یا نادرست بودن تصمیمات مسئولان کشور است و حاوی مهم‌ترین اصول کلی و پایه‌ی اصلی حاکمیت نظام سیاسی است؛ لذا محتوای آن به طور ذاتی حاوی مرکز تجمع منابع قدرت کشور و به تبع آن مراجع امنیت نیز هست.

نگارنده در این مقاله با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، ضمن بازخوانی قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین سند ملی تعیین‌کننده ساختار، اهداف و ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران با رویکرد ایجابی و تکیه بر وجه نرم‌افزاری امنیت، اندیشه حاکمیت، سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگ عمومی را به عنوان مهم‌ترین وجوه نرم‌افزاری مراجع امنیت در نظریه امنیتی جمهوری اسلامی را در قانون اساسی شناسایی، استخراج و معرفی نمود است و در پایان به منظور انتقاد علمی دستاوردهای این مقاله به رأی خبرگی گذاشته شده است که سنجش روایی در محیط نرم افزار SPSS نشان می‌دهد که ضریب آلفای کرونباخ مقاله ۰/۷۹ است که حاکی از پایایی بالای پرسشنامه است.

کلید واژه‌ها: قانون اساسی، مرجع امنیت، اندیشه حاکمیت، سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگ عمومی

مقدمه

مباحث و ملاحظات امنیتی حجم زیادی از گستره مطالعات ذهنی و تعاملات رفتاری را شکل می‌دهد که توجه طیف وسیعی از اندیشمندان، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران را به خود معطوف نموده است. علاوه بر این، جوامع معاصر از رهگذر ورود به عرصه جهانی شدن، دارای وضعیتی مابین احساس خطر و تهدید امنیتی و فرصت امنیت ساز قرار گرفته‌اند. در چنین وضعیتی فهم و درک درست ماهیت امنیت و هویت امنیتی امری اجتناب ناپذیر و حیاتی است. این در حالی است که به دلیل سابقه کم مطالعات امنیتی، این حوزه همچنان از فقدان مطالعات بومی، کمبود کارشناسان و خبرگان و کمبود مطالعات تطبیقی با سایر حوزه‌های مرتبط در رنج است.

جامعه علمی در عرصه مطالعات و ملاحظات امنیت و شکاف مرتبط با آن با مشکل تئوریک و نظریه-پردازی مواجه است و چند سالی است که احساس نیاز به مطالعات مرتبط با این حوزه در حال گسترش است؛ چرا که چالش‌های فرا روی نظام‌های متأثر از فرایند سرعت و تحول در حوزه آسیب‌ها و تهدیدها در حال تحول و پیچیدگی مضاعف است؛ بنابراین ورود به مباحث بنیادین امنیت؛ همچون مراجع و ابعاد امنیت، در واقع توجه به مهم‌ترین گزاره‌های علمی این حوزه محسوب می‌شود. به همین سبب توجه به مطالعه مراجع امنیت به دلیل نقش تعیین کننده‌ای که این مراجع در تداوم حیات نظام سیاسی دارند از اهمیت بیشتری برخوردار است.

مراجع امنیت در حقیقت عناصر اصلی تضمین بقاء کشور هستند که از درون مجموعه‌ای از اندیشه‌های کلان راهبران و سایر منابع حاوی پیام‌های ایدئولوژیکی آن نظام خارج می‌شود و به عنوان خطوط قرمز نظام سیاسی محسوب می‌شود که تهدید آن‌ها به منزله تهدید ساختار نظام سیاسی محسوب می‌شود. این مراجع اغلب در پیام‌های اصلی مکتوب و یا شفاهی مورد استناد رهبران و یا اسناد ملی مانند قانون اساسی و برنامه‌های کلان ابلاغی جامعه متجلی می‌شود.

از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - مانند سایر کشورها - یکی از مهم‌ترین مستندات مورد وثوق نظام سیاسی است که مانند هر پدیده انسانی (محصول تفکر و تدبیر انسان) دیگری حامل پیام‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، نظامی، امنیتی و... است که متناسب با حوزه‌های معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی نظام سیاسی بخش‌هایی از آن دارای رجحان و اولویت مضاعف است؛ ثانیاً این قانون، مرجع اصلی سنجش و ارزیابی درست و یا نادرست بودن تصمیمات مسئولین کشور

محسوب می‌شود و حاوی مهم‌ترین اصول کلی و پایه اصلی حاکمیت نظام سیاسی است؛ بنابراین محتوای آن به طور ذاتی حاوی مرکز تجمع منابع قدرت کشور و به تبع آن مراجع امنیت نیز می‌باشد. نگارنده در این مقاله تلاش می‌کند در یک نگاه کارشناسی از طریق بازخوانی قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین سند ملی تعیین کننده ساختار، اهداف و ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران، مراجع امنیت مبتنی بر نظریه امنیتی جمهوری اسلامی را در قانون اساسی شناسایی، استخراج و معرفی نماید؛ لذا هدف نهایی مقاله حاضر یافتن پاسخ درخور به این پرسش است که؛ با اتکا به نظریه امنیتی جمهوری اسلامی، مهم‌ترین مراجع امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی کدام است؟ و ویژگی‌های امنیت مورد تأکید در قانون اساسی کدام است؟

اهمیت و ضرورت

قانون اساسی جمهوری اسلامی مهم‌ترین تجلیگاه آراء، عقاید، هنجارها، ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی کشور محسوب می‌شود که در یک فرایند اقتراحی متکی بر تعامل و تضارب فره‌بختگان و خبرگان و با اتکا بر سرمایه‌های پیدا و پنهان تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی استخراج شده است. مراجع امنیت نیز یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین موضوعات مورد مطالعه در مطالعات راهبردی و امنیتی است؛ لذا شناسایی، تبیین، استخراج و معرفی مراجع امنیت در واقع تلاش در جهت شناسایی کانون مسئله و انباشت قدرت هر نظام سیاسی است؛ بنابراین معرفی و استخراج درست مراجع امنیت در قانون اساسی، در واقع تلاش در جهت برجسته‌سازی مهم‌ترین منابع اقتدار نظام جمهوری اسلامی و هدایت مدیریت ادراک امنیتی صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه‌های مختلف ساختار فکری و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کلان کشور است تا در هنگام اتخاذ تدابیر و یا ایفای مسئولیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی و زیست‌محیطی خود ملاحظات بایسته و شایسته امنیتی را با هدف تثبیت و تعمیق امنیت ملی در نظر بگیرند.

روش شناسی

نگارنده در این مقاله با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بازخوانی متن قانون اساسی جمهوری اسلامی، مهم‌ترین یافته‌های استخراج شده را به رأی خبرگی کارشناسان و خبرگان موضوعی گذاشته است و در پایان به منظور سنجش روایی این یافته‌ها، از نرم افزار SPSS برای کشف ضریب آلفای کرونباخ استفاده نموده است.

الف) ابتناء نظری

مهم‌ترین رکن تعارض‌ها و تهدیدها در دوره مختلف تاریخی بیان‌کننده موقعیت و وضعیت امنیت در تاریخ تحول زندگی اجتماعی است. از منظر موقعیت‌شناسی «جوهر و ذات تمایزها به نوعی تعارض در منافع و ارزش‌ها اشاره می‌کند. که این امر خصوصاً در مطالعات امنیتی بسیار مهم و اساسی است.» (گروه مطالعات امنیتی (۲): ۱۳۸۷: ۵) لذا فهم هر یک از دو مفهوم امنیت و تهدیدها به فهم دیگری کمک شایانی می‌کند. فرایند تحول مفهومی مذکور موجود در این خصوص به دو گفتمان سلبی و ایجابی منتهی شده است. تطبیق نظری ماهیت امنیت و تهدیدها در جمهوری اسلامی با امنیت در سایر جوامع به ویژه جوامعی که در آن‌ها نظریه پردازی در امنیت دارای سابقه مطالعاتی بیشتری است، برای پژوهشگران نیازمند دقت و ظرافت بسیار است. برای اینکه بتوان مبانی نظری، اندیشه‌ای و رفتاری ویژه‌ای را به عنوان نظریه‌ی (از جمله نظریه امنیتی) یک نظام سیاسی پذیرفت، ضرورتاً بایستی این مبانی را در چارچوب خاص متکی بر مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی آن نظام مورد توجه قرار داد. مبانی نظری نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مانند همه نظام‌ها دارای چنین منطقی است.

مهم‌ترین منابعی که برای کشف و توضیح اندیشه‌ها و نظرات نظام جمهوری اسلامی ایران مورد توجه می‌باشند عبارتند از: قانون اساسی، نظرات امام خمینی (ره)، نظرات مقام معظم رهبری و چشم انداز بیست ساله کشور؛ که از نظر درجه اعتبار و قابلیت استناد و قدرت تبیین‌کننده ماهیت و اندیشه جمهوری اسلامی قابل تردید یا چالش نیستند. در مجموع بر اساس چنین الگویی، نظریه جامع امنیتی جمهوری اسلامی ایران به ترتیب سه لایه بنیان‌های اندیشه‌ای و تفسیری، ارکان و اجزای تحلیل امنیت و همچنین سیاست‌گذاری امنیتی بر نظریات جمهوری اسلامی (با استفاده از منابع فوق) اعمال می‌گردد. (گروه مطالعات امنیتی (۲): ۱۳۸۷: ۱۱۵-۱۱۴)

عنايت به منابع مذکور در نظریه جمهوری اسلامی، حاکی از آن است که با تکیه بر گفتمان دینی «امنیت» در جمهوری اسلامی ایران مفهومی زمینه‌وند^۱ دارد و دارای ماهیت ایجابی است که فهم آن بدون درک شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی آن اصولاً میسر نیست. (افتخاری: ۱۳۸۳: ۴۵۲) لذا ماهیت امنیت در جمهوری اسلامی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که تطبیق آن با امنیت سایر نظام‌های سیاسی زمینه ساز انحراف از ماهیت حقیقی آن می‌شود.

نگارنده بنیان نظری خود در مقاله پیش‌رو بر نظریه امنیتی جمهوری اسلامی استوار نموده است و معتقد است که مهم‌ترین مراکز ثقل قانون اساسی به‌عنوان مراجع امنیت در جمهوری اسلامی، دارای بنیان

مفهومی و ماهیتی زمینه‌وند و ایجابی است و به تعبیر دیگر، فرهنگ پایه است که از همین رهگذر حاوی مهم‌ترین پیام‌های مشروعیت بخش در انقلاب اسلامی و حامل حداکثر اقتدار در این نظام محسوب می‌شود.

ب) بررسی ماهیت مراجع امنیت

۱- اهمیت مراجع امنیت

اگر امنیت را پدیده‌ای منتج از گفتمان‌های سلبی و ایجابی در مطالعات اواخر قرن بیستم تلقی کنیم که مرکز ثقل مطالعات خود را بر حفظ و تداوم نیازهای اساسی و مشروع انسان؛ مانند ایمنی و فراغت از خطر و اضطراب و تشویق برای حفظ و تداوم ارزش‌ها، هنجارها، حقوق، آزادی‌ها مشروع و... بدانیم، در حقیقت اتکا به چنین استدلالی حاکی از آن است که امنیت از یک سو خط قرمز حقوق آحاد جامعه و از سوی دیگر تکلیف حکومت در حفظ و تداوم این حقوق است. در چارچوب چنین مفروضی ابعاد امنیت عبارت از: حفاظت در برابر خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲) لذا امنیت «یک پدیده متکی بر فرایند اجتماعی» (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۴) است که در حوزه مطالعات جامعه شناختی شامل؛ اطمینان و آرامش فیزیکی و هم آرامش روحی و روانی آحاد جامعه است.

فهم مرکز ثقل حقوق و تکلیف آحاد جامعه و دولت برای تضمین تداوم حیات اجتماعی که ارتباط مستقیم با بقا و دوام نظام (سامانه) دارد و پاسخ به این پرسش دارد که؛ امنیت هر حکومتی در گرو حفظ و تداوم کدام واحد در سطح امنیت ملی است که اگر مورد تهدید واقع شود حیات نظام سیاسی با خطر «بود» و یا «نبود» مواجه می‌شود. از منظر اندیشمندان حوزه‌های امنیتی، عیار سنجش مراجع امنیت، همین کانون‌های تجمع اقتدار نظام سیاسی است که اگر با خطر مواجه شود موجب سلب امنیت آن نظام می‌شود. «ارزش‌های امنیتی یا ارزش‌های حیاتی در واقع مرکز ثقل امنیت در هر نظام و سطح امنیتی هستند. برخی این مرکز را مرجع امنیت می‌نامند. مرجع امنیت چیزی است که ضرورتاً امنیت آن را باید تأمین نمود.» (گروه مطالعاتی امنیت (۱) ۱۳۸۷: ۱۰۳)

در واقع مراجع امنیت مرکز ثقل و معیارهای اساسی و مهم مسائل امنیتی هستند. این مراجع در تحدید مسائل امنیتی و بهینه‌سازی مدیریت امنیتی نقش جدی ایفا می‌کنند. هر رویکردی یا نظریه امنیتی باید

تکلیف خود را با مراجع امنیت مشخص نماید. زیرا ملاک اصلی تشخیص تهدیدات امنیتی در هر نظام، ارزش‌ها و مراجع امنیتی آن است. (گروه مطالعات امنیتی (۲): ۱۳۸۷: ۸)

۲- گونه‌شناسی مرجع امنیت

معرفی مراجع امنیت در دیدگاه اندیشمندان حوزه مطالعات امنیتی دارای تنوع و تکرر موضوعی است و رابطه‌ی معنی‌داری با گفتمان مبتنی بر نظریه‌های امنیتی مورد قبول آنان دارد. اندیشمندان «نظام‌های نظری مختلف مراجع گوناگونی را برای خود تصور می‌کنند. به طور مثال: ایدئولوژی دولت می‌تواند مرجع امنیت باشد؛ بنابراین تهدید ایدئولوژی دولت تهدید امنیتی است.» (گروه مطالعاتی امنیت (۱): ۱۳۸۷: ۱۰۳) در حالی که اندیشمندان رویکرد رئالیستی با تکیه بر گفتمان امنیت سلبی (نبود تهدید و تکیه بر بقاء)، دولت را مرجع امنیت معرفی می‌کنند. در رویکرد انتقادی با تکیه بر گفتمان ایجابی (تضمین حقوق شهروندی)، هویت و در رویکرد سازه‌انگاری (با تکیه بر اهمیت تفکر و هویت) هنجارها و ارزش‌ها به عنوان مرجع امنیت معرفی می‌شود. گفتمان اسلامی نیز با تکیه بر وجه ایجابی امنیت، آن را وضعیتی می‌داند که در آن، بین خواسته‌ها و داشته‌ها در یک واحد سیاسی معین، متناسب با ضریب ایدئولوژیک (آن واحد)، تعادلی وجود دارد که نزد بازیگران (آن واحد) تولید رضایت می‌نماید. چنان که ملاحظه می‌شود، امنیت در این معنا به «رضایت» (مونه قدرت سخت افزاری) تقلیل می‌یابد. آنچه در این تعریف - مطابق گفتمان اسلامی - از امنیت در خور توجه می‌نماید، غلبه ماهیت نرم افزاری آن بر ابعاد سخت افزاری امنیت است. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۴) برخی صاحب نظران امنیت، سه حوزه: ذهنی، مادی و نهادی را مراجع امنیت یک نظام سیاسی معرفی می‌کنند. (ره‌پیک، ۱۳۹۰) و برخی دیگر بر اساس اصل نظام سیاسی، مرجع امنیتی نظام را سه بعد انسانی، ساختاری و نهادی مورد مطالعه قرار می‌دهند. (افتخاری، ۱۳۹۲) و برخی از مطالعات نوین با تجمیع مجموعه منابع با ارزش در حاکمیت‌های سیاسی، مراجع امنیت را شامل؛ اندیشه حاکمیت، سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگ عمومی (باقری، یوسفی، ۱۳۸۷: ۵۶) دانسته‌اند.

نظام جمهوری اسلامی، به دلیل تکیه بر معرفت‌شناسی ترکیبی توحید محور، تلاش می‌کند علاوه بر حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های اسلام، زمینه‌های دسترسی رشد این ارزش‌ها را به معنای یک مکتب فراهم نماید. مکتبی که با صورت بندی بینشی، پشتوانه‌ی نظری و ایدئولوژیک تأسیس حکومت را تأمین و شیوه توزیع قدرت، ثروت و حیثیت را در جامعه تعیین و توجیه می‌کند؛ لذا مراجع اصلی امنیت در این نظام عبارت است از: «اصل اسلام به عنوان مرکز مرجع، ولایت امر و امامت امت به عنوان هسته مرکزی نظام اسلامی

و مردم (مؤمنین) است.» (گروه مطالعات امنیتی (۲): ۱۳۸۷-۱۶۳-۱۹۳)؛ بنابراین به رغم توجه قانون اساسی جمهوری اسلامی به برخی وجوه مادی نظام اسلامی و نهادی و ساختاری - به جهت اهمیت نقش هنجارها و ارزش‌های در گفتمان اسلامی - توجه و تمرکز بر بُعد ذهنی امنیت - برآمده از رویکردهای نرم افزاری در مراجع امنیت - دارای سبقه، اهمیت و تأکید بیشتری است؛ با این توصیف نگارنده در این مقاله ضمن نگاه ترکیبی به تمام ابعاد و وجوه مراجع امنیت، اندیشه حاکمیت، سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی عمومی را از مصادیق مراجع امنیت در نگاه ایجابی تلقی نموده است و بر همین اساس با رویکردی نرم افزار محور به جستجوی استخراج این مراجع امنیت در متن قانون اساسی پرداخته است.

ج) بررسی ماهیت قانون اساسی در جمهوری اسلامی

۱- چپستی قانون اساسی

قانون اساسی در اکثریت قریب به اتفاق کشورها دارای شأن بسیار والا و بالایی است و حتی نظام حقوقی مترتب - که برگرفته از قانون اساسی است - از نظام سیاسی برتر است. (هاشمی، ۱۳۸۷: ۴) چرا که این قوانین، شکل و محتوای نظام سیاسی را مشخص و مشروعیت آن را تضمین می‌کند.

هرچند از منظر شکلی، قانون اساسی همانند سایر یافته‌های نوین انسان و دستاورد قرون و اعصار جدید و محصول تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی دوره رنسانس است؛ اما از آنجا که هیچ دستاورد انسانی، دفاعی و ناگهانی نیست، تمامی اشکال حقوق - از جمله قانون اساسی - در یک فرایند منحصر به فرد و زمانی نسبتاً طولانی و به تدریج رشد یافته، به تکامل رسیده است. به بیان دیگر قانون اساسی به دلیل ماهیت ذهنی انسانی خود، همانند سایر علوم انسانی، ره آورد تجربیات مبتنی بر آزمون و خطای فکری، عرفی و رفتاری، و محصول وجود مسائل و مشکلات زندگی اجتماعی بشر در طول تاریخ است.

برای تنظیم قانون اساسی در کشورها ملاک مشترک و فراگیری که تعیین کننده دقیق حدود و ثغور آن باشد، وجود ندارد؛ لذا هر کشوری بسته به شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی، ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیکی، امنیتی و... خود، ارکان قانون اساسی خویش را تعیین می‌کند. این قانون در اغلب قریب به اتفاق کشورها به عنوان قانون برتر؛ شامل مجموعه‌ای از اصول و قواعد مدون و مرتبی است که در یک فرایند رسمی و توسط افراد خبره و دارای اعتبار و منزلت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی، تدوین می‌شود و در فرایندی معین، به تأیید آحاد دارای صلاحیت قانونی در جامعه، می‌رسد.

هر چند قانون اساسی، لفظ مشترک بسیاری از قوانین است؛ اما این قانون در هر کشوری بنا به ضرورت می‌باید دارای ماهیت منحصر به فردی باشد. «قانون اساسی هیچ کشوری نمی‌تواند تقلید از قوانین اساسی کشورهای دیگر باشد؛ زیرا رابطه‌ی علت و معلولی قانون اساسی هر کشوری با عقاید و اوضاع سیاسی و اقتصادی و سوابق تاریخی و میزان فرهنگ و تمدن آن کشور باید به دقت لحاظ شود تا بتواند تحقق خواسته‌ها و آرمان‌ها مردم آن کشور را تضمین نماید. قانون اساسی مشروطیت، از چنین خصوصیاتی برخوردار نبود.» (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۳۲)

برای فهم درست ماهیت قانون اساسی می‌توان در یک دسته‌بندی کلی، قوانین اساسی کشورها را به حالت مضیق قانون اساسی و حالت موسّع قانون اساسی تقسیم نمود. (قاضی، ۱۳۷۲: ۴۲)

۱- قانون اساسی دارای محتوای مضیق: در این دسته از قوانین اساسی، بیشترین تمرکز محتوایی مقررات مندرج در قانون اساسی را بر مناسبات قدرت بین نظام سیاسی حاکم و سایر اعضای جامعه؛ اعم از نهادهای غیر رسمی و آحاد جامعه پرداخته شده است. نمونه اصلی این نوع قوانین در کشورهای دارای حاکمیت استبدادی ملاحظه می‌شود. قانون اساسی دوران مشروطیت در ایران به دلیل تمرکز بر مسئولیت‌های مجلس شورای ملی، دارای محتوای مضیق بود.

۲- قانون اساسی دارای محتوای موسّع: در این دسته از قوانین اساسی، تلاش شده است در یک نگاه همه جانبه نگر، قواعد و مقررات کامل و جامعی برای کلیه مناسبات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، معنوی، نظامی و امنیتی مورد توجه قرار گیرد. فرایند تکوین قانون اساسی از نوع موسّع آن و به عنوان مهم‌ترین دستاورد حقوقی بشر در دو قرن اخیر محصول چند پدیده اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک است که مهم‌ترین این پدیده‌ها عبارت است از:

- ۱- واپایش خودکامگی و خود برتر بینی حکام نظام امپراتوری
- ۲- ضرورت پاسخگویی منابع واپایش کننده قدرت سیاسی
- ۳- تخصصی شدن علوم و دانش‌های بشری؛ از جمله علم حقوق
- ۴- تعریف و سامان دهی تحولات اجتماعی و سیاسی در مناسبات قدرت پس از عصر روشنگری
- ۵- اهمیت قرارداد اجتماعی ناشی از افزایش سهم عقلانیت در حیات اجتماعی و سیاسی
- ۶- در اختیار داشتن معیار سنجش مناسبات اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، سیاسی، امنیتی، نظامی، زیست محیطی و اقتصادی در ابعاد داخلی، منطقه ای و بین المللی و...

۲- اصول بنیادین قانون اساسی جمهوری اسلامی

قانون اساسی در ایران دارای سابقه حدود یک‌صد سال (۱۲۸۵ و متمم آن در سال ۱۲۸۶ شمسی) است که به دنبال نهضت مشروطه، مجموعه قواعدی تحت عنوان قانون اساسی در ایران مورد توجه قرار گرفت. این قانون در مرحله اول به دلیل اهمیت سیاسی مجلس شورای ملی به عنوان مهم‌ترین دستاورد نهضت مشروطه، یک قانون دارای محتوای مضیق بود؛ چرا که بیشترین تمرکز بر کارکردهای مجلس شورای ملی قرار داده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی، یک قانون با محتوای موسّع است که پس از انقلاب اسلامی با هدایت امام خمینی(ره) و از طریق هم‌فکری خبرگان و نخبگان جامعه ایرانی، در سال ۱۳۵۸ و بازنگری آن در سال ۱۳۶۸ شمسی تدوین شد. این قانون مانند همه قوانین اساسی کشورهای دیگری بر بخش‌های اصلی در کنار اصول بنیادینی خاص استوار است که مبین غالب و محتوای نظامی سیاسی است که با مراجعه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، این قانون را می‌توان در چهار بخش زیر دسته‌بندی کرد: (هاشمی، ۱۳۸۷: ۴)

بخش اول؛ اصول آرمانی قانون اساسی است. این بخش در برخی از اصول قانون اساسی به بهترین نحو تبلور پیدا کرده است. اصولی مانند اصل پنجاه و ششم که حاکمیت را منحصر در حاکمیت خدا می‌داند و خداوند انسان را بر سرنوشتش حاکم کرده و هیچ کس (به طور مطلق) حق ندارد این حق الهی را از انسان سلب کند یا این حق را در انحصار فرد یا گروه خاصی قرار دهد. (همان: ۱۰) مطابق اصل پنجاه و ششم؛ «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طریق که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.» (طالع خرسند، ۱۳۹۰: ۳۳)

در واقع واگذاری حق تعیین سرنوشت و استفاده از آزادی‌های مشروع به وسیله خداوند به انسان، نکته‌ی بنیادین در قانون اساسی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. به بیان دیگر این اصل آرمان جامعه ایرانی است که حتی با وضع قانون خدشه دار نمی‌شود. در این باره در ذیل اصل نهم قانون اساسی آمده است: هیچ مقامی حق ندارد آزادی‌های مشروع مردم را حتی با وضع قانون سلب کند؛ لذا از لحاظ آرمانی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یک قانون بسیار عالی به شمار می‌آید.

بخش دوم؛ مربوط به نظام سیاسی است. در اصل اول قانون اساسی بیان شده است که حکومت ایران، جمهوری اسلامی است. منظور از اسلامی، استواری ارکان آنان بر اساس قوانین و شریعت اسلامی است که تحت نظارت خبرگان دین خواهد بود و هدف از جمهوری یعنی مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خودشان و امور مربوط به شکل اداره کشور است. (هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۰). حضرت امام خمینی (ره) در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از ورود به ایران در مصاحبه مطبوعاتی در مورد ساختار نظام سیاسی می‌گویند: «ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آراء عمومی، شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما، توسط خود مردم تعیین خواهد شد.» (صحیفه نور ج ۴، ص ۲۹۴)

بخش سوم؛ مربوط به پایه‌های نظام است. پایه‌های نظام که در اصل دوم قانون اساسی به آن پرداخته شده است، اصول اعتقادی دین و مذهب است که در کنار کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت انسان در برابر خدا مورد توجه قرار گرفته است. نکته مهم در این بخش قرار گرفتن کرامت و ارزش والای انسانی در کنار اصول اعتقادی توحید، نبوت، امامت و عدل است. این مبحث نوعی ابتکار نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ چرا که نظام کشور بر پایه ایمان به کرامت و ارزش والای انسانی شکل گرفته و صرفاً یک شعار نیست. (هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۰)

حضرت امام خمینی (ره) در مورد محتوای نظام مورد نظر در جمهوری اسلامی می‌گوید: «ما می‌خواهیم اسلام را- لا اقل حکومتش را- به یک نحوی که شباهت داشته باشد به اسلام اجرا بکنیم... قوانین اسلام یک قوانینی است که برای اشخاص است، فرد فرد بشر، روابطی که هر فرد بشر با خدا دارد، روابطی که هر فرد بشر با پیغمبر اسلام دارد، با حکومت دارد، روابطی را که هر فرد با فرد دیگر باید داشته باشد، روابطی که هر فرد با غیر ملت خودش باید داشته باشد- کلیه روابطی که امکان دارد بین یک بشر با افراد دیگر بشر یا جوامع بشری باشد- در اسلام مطرح است و حکم دارد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۱۹)

بخش چهارم؛ ارزیابی قانون اساسی است. ارزیابی قانون اساسی دارای چند تجلی است که از جمله آن‌ها ارزیابی هنجاری، ارزیابی ساختاری و ارزیابی رفتاری این قانون است.

در ارزیابی هنجاری، اصلی‌ترین موضوع حاکمان ملت در تأسیس نظام و اداره امور کشور است، که در اصل ششم و با استناد به اداره امور کشور از طریق آراء عمومی، انتخابات و همه پرسی تعیین شده است و توجه به ارزش‌هایی چون آزادی است که با تکیه بر اصل نهم امکان سلب آن وجود ندارد.

در ارزیابی ساختاری نیز اهمیت مشارکت مردم در سرنوشت خود که در اصل ششم قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است و همچنین اصل تفکیک قوا در اصل نهم که برای جلوگیری از فساد در قدرت تعیین شده در کنار حاکمیت قانون بر حکام است که در ذیل اصل یک صد و هفتم به آن اشاره شد و در ارزیابی رفتاری نیز با توجه به احتمال خطا پذیری انسان در مقابل وسوس مربوط به تولید، نگهداری، استفاده و توزیع قدرت، می‌باشد. (هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۰)

در مجموع با مرور چهار بخش مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی، می‌توان دو اصل بنیادین قانون اساسی را استخراج کرد؛ این دو اصل عبارت است از: (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۲)

۱- جمهورمحوری نظام؛ که جمهوری مبین نام شکل حکومت انتخابی ملت ایران است و نشان‌دهنده نوعی حکومت مردم‌سالاری است که مردم در آن حق تعیین سرنوشت خود را دارند و حق انتخاب با مردم است. در بعد سیاسی، قانون اساسی دو نوع محتوا دارد؛ محتوایی که مربوط به قدرت و محتوایی که مربوط به آزادی است؛ به بیان دیگر می‌توان دو نوع محتوای حکومتی و انسانی برای قانون اساسی قائل شد. قانون اساسی زاییده مردم سالاری است و پیام آور مردم سالاری به جای فرد سالاری است. در محتوای انسانی قانون اساسی، می‌بایست رضایت خاطر انسان‌ها در این قانون تأمین شود که این بحث عمده‌تاً در قالب حقوق بشر تحقق پیدا می‌کند. محتوای حکومتی قانون اساسی، مردم سالاری و سازو کار آن است. و از این رو ما به وحدت بین مردم و حکومت پی می‌بریم. قانون اساسی زمانی میسر خواهد بود که وحدت بین مردم و حکومت وجود داشته باشد و حکومت هم از خودشان باشد در این صورت، حاکمیت قانون و قانون اساسی می‌تواند تحقق پیدا کند؛ لذا قانون اساسی باید با مردم سالاری توأم باشد. (هاشمی، ۱۳۸۷: ۵۰) در مجموع حقوق مرتبط با جمهورمداری نظام، با دو نوع حقوق مواجه هستیم؛

اول؛ تعیین حقوق شهروندان؛ یکی از مهم‌ترین وظایف قانون اساسی تعیین حقوق شهروندان؛ همچون حق تعیین سرنوشت، حق برخورداری از آزادی‌های مشروع و...

دوم؛ تعیین تکالیف دولت؛ تعیین ضوابط و مقررات مربوط به نحوه اعمال قوانین، وظایفی چون تأمین امنیت، اعمال صحیح قوانین، تلاش در جهت تأمین حداقل زندگی شهروندان و...

حقوق مربوط به تعیین سرنوشت مردم و در اصل پنجاه و ششم به طور صریح در ذیل حاکمیت خدا و در اصل شصت و دوم برای انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اصل یک صد و هفتم برای انتخاب اعضای شورای اسلامی شهر و روستا، اصل یک صد و هفتم برای انتخاب اعضای مجلس خبرگان رهبری و اصل یک صد و چهاردهم برای انتخاب رئیس جمهوری، مورد تأکید قرار گرفته است.

۲- اسلام محوری نظام: کلمه‌ی اسلامی در نام حکومت انتخابی برای کشور ایران، محتوای حکومت را بیان می‌کند و معنی آن این است که؛ حکومت جمهوری اسلامی با اصول و مقررات اسلامی اداره می‌شود و بر محور اسلام حرکت می‌کند و جهت می‌گیرد. بر اساس این اصل بنیادی، قانون اساسی و حتی قانون مشروطه ایران در ذات خود دارای ماهیت فقهی است که به طور طبیعی محتوای آن از منابع دینی و اسلامی استخراج می‌شود.

اصل دوم قانون اساسی بیان می‌کند که جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به شش اصل اساسی که پنج اصل آن عقیدتی و یک اصل عقیدتی - عملی است و آن کرامت و ارزش والای انسانی است... - علاوه بر این - نظام اسلامی، نظامی است که کمال مطلوبش همان قسط و عدلی است که در آیه ۵۷ سوره حدید آمده و مردم، دست اندر کارش هستند. (شفیعی سروستانی: ۱۳۸۵: ۴۶۸-۴۶۷)

در اصل چهارم قانون اساسی آمده است که؛ کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق عموم، یا همه‌ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است. (طالع خرسند: ۱۳۹۰: ۳۳) طبق این اصل قانون اساسی، «حقوق» همان فقه است و اگر ما حقوق را جدا کنیم این طور به ذهن تداعی می‌کند که منظور، تلفیقی از نظام غرب و نظام اسلام است. بر این اساس این قانون به منابع فقهی ما، به عنوان منابع حقوقی نگریسته است و اصولاً نود درصد منابع حقوقی ایران حتی قوانین دوران مشروطه فقه است. (عمیدزنجانی: ۱۳۸۵: ۲۱۸-۲۱۷)

مشروعیت اسلامی در قانون اساسی در موارد مختلف؛ مانند اصول دوم، چهارم، پنجم، دوازدهم، هفتاد و دوم، نود و ششم، یک صد و پنجم، یک صد هفتم، یک صد و نهم، یک صد و چهل و چهارم و یک صد و هفتادم تصریح و تأکید شده و در بسیاری از اصول دیگر نیز مبانی مکتبی، اساس قرار داده شده است؛ مانند اصول ششم، هشتم، دهم، یازدهم، چهاردهم، شانزدهم، هفدهم، نوزدهم، بیستم، بیست و یکم، بیست و دوم، سی و چهارم، چهل و سوم، یک صد و پنجاه و سوم، یک صد و پنجاه و چهارم، یک صد و هفتاد و یکم، و یک صد و هفتاد و چهارم که به آیات و روایات خاصی استناد شده است. (عمید زنجانی: ۱۳۸۷: ۵۹) علاوه بر این مطابق اصل نود و یکم قانون اساسی، اهم کارکرد شورای نگهبان به عنوان متولی حراست از «بررسی کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی، نخست از لحاظ احکام اسلامی و دوم از جهت انطباق با قانون اساسی» است.

در مجموع مطابق قانون اساسی، دو رکن شکلی و محتوایی نظام اسلامی، ارتباط مستقیم با جمهورمحوری و اسلام محوری نظام دارد. در واقع سخن امام(ره) در فرمان همه پرسی جمهوری اسلامی مبتنی بر پیشنهاد «جمهوری اسلامی»، «نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد» حاوی این استدلال منطقی بود که کم کردن هر کدام از دو کلمه «جمهوری» و «اسلامی» بی شک به نفی یکی از دو رکن نظام؛ یعنی شکل و محتوا می‌انجامد. جمهور، مبین شکل نظام سیاسی و اسلام، بیانگر محتوای آن بود. نظام اسلامی فاقد شکل سیاسی و نظام جمهوری فاقد محتوای مطلوب، برای تعیین یک نظام سیاسی کامل، نارسا می‌نمود. (همان: ۳۲)

د) مرجع‌شناسی امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی

ماهیت امنیت در جامعه ایرانی، مانند هر جامعه‌ی دیگر به باور ادراکی و احساسی انسان از خطرها و مشکلاتی بستگی دارد که از طریق پدیده‌های مختلف برای ارزش‌های مورد قبول آن به صورت ذهنی و عینی و همچنین برای مراجع یا موضوعات اصلی امنیت؛ یعنی اندیشه حاکمیت، سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگ عمومی (باقری و یوسفی، ۱۳۸۷: ۵۶)، ایجاد می‌شود.

با بررسی اجمالی قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌توان دریافت؛ سه بخش مهم آن که تکیه بر ارزش‌های بنیادین مورد تأکید و مقبول جامعه ایرانی - که مراجع امنیت در نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند - دارد، عبارت است از:

بخش نخست؛ شامل آرمان قانون اساسی است. در آنجا با استناد به وحی، به عنوان مهم‌ترین منبع استخراج مفاهیم و ادله‌های نقلی در کنار سنت نبوی و معصومین علیهم السلام، ضمن تأکید بر حاکمیت مطلق خداوند، حق حاکمیت انسان را در ذیل حق حاکمیت خدا پذیرفته است و هر گونه خدشه به این حقوق و تکلیف را خدشه به ماهیت حکومت اسلامی می‌داند.

در بخش دوم؛ شکل و ماهیت نظام سیاسی است که تأکید بر جمهوری بودن و اسلامی بودن آن دارد. در واقع جمهور و اسلام به طور مشترک و به منزله‌ی یک کل غیر قابل تفکیک، ماهیت شکل و محتوای نظام را تعیین می‌کند. در نظام جمهوری اسلامی محتوای درونی به عنوان هسته‌ی این نظام، از ماهیت دینی برخوردار است و در شکل انتخاب مدیران و مسئولان، دارای ماهیت جمهوری است که با تکیه بر آراء مردم صورت می‌پذیرد.

در بخش سوم؛ پایه‌های نظام را مشخص می‌کند که متکی بر اصول اعتقادی و مذهبی است که در کنار کرامت و ارزش‌های والای انسانی شکل گرفته است. (هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۰)

در واقع مراجع امنیت جمهوری اسلامی به صورت پیدا و پنهان در بسیاری از اصول قانون اساسی، قابل رصد و معرفی است. می‌توان به برخی از این اصول در ذیل مراجع زیر اشاره کرد:

۱- اندیشه حاکمیت

با استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی، اندیشه حاکمیت در اصول آن متکی بر اصول اصلی اسلام است و عمل در چارچوب آن‌ها مطابق اصل چهارم قانون اساسی، مبنای حجیت قانونی و شرعی کارگزاران حقوقی و اجرایی محسوب می‌شود. در نظریه امنیتی جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصل هستی‌شناسی، توحید در معنای وسیع و دقیق آن است؛ لذا نظریه امنیتی جمهوری اسلامی، منتج از اصل دوم قانون اساسی است که: خدای یگانه، وحی الهی، معاد، عدل، امامت و رهبری و کرامت و ارزش انسانی را مهم‌ترین مبانی هستی جمهوری اسلامی معرفی می‌کند. (گروه مطالعاتی امنیت، (۲) ۱۳۸۷: ۱۱۷-۱۲۴)؛ بنابراین مهم‌ترین دست‌آورد انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی، تأسیس نظام اسلامی است و مرکز ثقل این نظام چه در قانون اساسی و چه در گفتمان رهبران خود (حضرت امام خمینی رحمه الله علیه و مقام معظم رهبری) اصل ولایت امری و امامت امت قرار گرفته است؛ لذا تمرکز اصلی اندیشه حاکمیت در قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی نظام و ضرورت حفاظت از آن، اصل ولایت فقیه است که در اصول متعدد و از جمله در اصول دوم، چهارم، پنجم، صد و ده و... مورد تأکید قرار گرفته است.

۲- سرمایه‌های اجتماعی

سرمایه‌ی اجتماعی، مجموعه‌ی تعامل‌های روزمره بین اعضای یک جامعه است که از طریق شکل‌گیری پیوندها و شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد حاصل می‌شود. (ناظمی، ۱۳۸۷: ۸۴) امنیت با رویکرد ایجابی در اقتضات امروزی، مبتنی بر اقتناع، تعامل و پذیرش (و نه سلطه، تحمیل و تسلیم) است. سرمایه‌ی اجتماعی، به یک وضعیت حیاتی برای یک نظام سیاسی تبدیل شده است؛ زیرا سرمایه‌ی اجتماعی، مبنای شکل‌گیری هویت جمعی است؛ لذا از آنجا که سرمایه‌ی اجتماعی دارای فرایندی فرهنگی و اقناعی است از مؤلفه‌های امنیت نرم محسوب می‌شود که اگر مورد تعرض قرار گیرد، برای جامعه، مسئله‌ی جدی خواهد آفرید.

هویت اجتماعی در جوامع شبکه‌ای، در ارتباط مستقیم با سرمایه‌ی اجتماعی فهم می‌شود. (افتخاری، ۱۳۸۷: ۱۸) کارکرد اصلی قانون اساسی تدوین اصول و قواعدی است که علاوه بر تعیین حدود روابط افراد با یکدیگر، جامعه و نظام سیاسی، تضمین‌کننده بقای هویت جمعی کل جامعه است؛ لذا رابطه‌ی

سرمایه‌های اجتماعی به عنوان عناصر تأثیرگذار بر چهار رکن «اعتماد، اعتبار، وفاداری و امید» (همان) در تدوین، تحکیم و تداوم بقای قانون اساسی و قوانین وضع شده، یک رابطه‌ی سازنده و مکمل است. در واقع، نظام سیاسی یک کشور با تکیه بر سرمایه‌های اجتماعی خود می‌تواند از یک سو با جلب اعتماد و با تعمیق اعتبار مردم، ضمن تضمین وفاداری آنان به تدابیر، خود را تضمین و زمینه یأس و ناامیدی را در آحاد جامعه به حداقل ممکن کاهش دهد که این مهم، در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی؛ از جمله فصل سوم؛ شامل اصول نوزدهم تا بیست و سوم مورد تأکید قرار گرفته است.

۳- فرهنگ عمومی

فرهنگ جامعه، مهم‌ترین دست‌آورد زندگی اجتماعی است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «فرهنگ به معنای خاص برای یک ملت؛ عبارت از ذهنیت‌ها، اندیشه‌ها، ایمان‌ها، باورها، سنت‌ها، آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی است.» (مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون تبریز، ۱۳۷۲/۵/۵) و معتقدند: «بخش عمده فرهنگ همان عقاید و اخلاق یک فرد و یا یک جامعه است... که - اخلاق اجتماعی، رفتارهای اجتماعی را به وجود می‌آورند؛ بنابراین اساس و ریشه فرهنگ، عبارت است از عقیده، برداشت و تلقی هر انسانی از واقعت‌ها و حقایق عالم و نیز اخلاق فردی، اجتماعی و ملی (عزم و اراده، غرور ملی، احساس توانایی، احساس قدرت بر اقدام و عمل و سازندگی، انضباط، نشاط، همکاری و مشارکت) بنابراین، به نظر ما، مقوله فرهنگ از نظر تأثیرش در آینده یک ملت و یک کشور، با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست؛ اهمیت مقوله فرهنگ از این جاست.» (مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹/۹/۱۹)

فرهنگ، یک دست‌آورد نرم افزاری و مهم‌ترین میراث غیرمادی و معنوی بشر و زیر بنای تمامی سرمایه‌های یک ملت است که از منظر ارزش، با هیچ دارایی دیگری قابل مقایسه نیست.

مطابق اصول قانون اساسی، هویت جمهوری اسلامی، هویتی اسلامی، مردمی، انقلابی، انسانی، ملی و در عین حال جهانی است و مفاهیم آن به شدت با مفهوم اسلامی و توحیدی بودن نظام، آمیخته شده و آن را به یک تفکر مکتبی و ایدئولوژی تبدیل نموده است. لذا قانون اساسی در جمهوری اسلامی، دارای سبقه مفهومی عقیدتی - فرهنگی (نرم افزاری) است. (گروه مطالعاتی امنیت (۲) ۱۳۸۷: ۲۷۵-۲۷۴) با این اوصاف جامعه ایرانی-اسلامی به طور واضحی تحت تأثیر فرهنگ (شامل ارزش‌ها، اخلاق و هنجارهای) دینی و مذهبی قرار دارد و این فرهنگ مذهبی، خود سازنده‌ی مکتب فکری و اعتقادی به عنوان وجه نرم افزاری قدرت مردم ایران محسوب می‌شود.

علاوه بر جایگاه فرهنگ در قانون اساسی، منشأ بسیاری از تفاسیر حقوقی، بر مبنای تفسیر هنجارها است که در برخی از موارد این هنجارها در قانون اساسی، بنیادین هستند. (ویژه، ۱۳۸۶: ۲۷۰-۲۶۹) لذا قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول متعدد، به طور آشکار و ضمنی بر وجه فرهنگی - هنجاری مردم تأکید دارد. چنانکه در اصل دوم قانون اساسی؛ ابعاد ارزشی، هنجاری و اخلاقی نظام اسلامی و امت اسلامی را با تکیه بر اصول اسلامی و کرامت انسانی تبیین نموده است و این اصول اعتقادی را زیربنای نظام اسلامی قرار داده است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۲۲۷)

با چنین استدلالی، اگر توانمندی یک ملت در حفاظت از هنجارها، اخلاق ها و ارزش‌های اساسی را تضمین کننده‌ی امنیت آن ملت بدانیم،^۱ می‌توان از طریق افزایش شعور فرهنگی و اجتماعی مردم در مورد چگونگی حمایت از قوانین (اعم از اساسی و وضع شده) چالش‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی در جامعه را به حداقل ممکن کاهش داد.

دستاوردهای ارزیابی خبرگی:

به منظور اتقان علمی کلیه دستاوردهای مقاله در قالب بیست محور اصلی به شرح زیر، به خبرگان دارای ویژگی‌های مرتبط با مطالعات امنیتی گذاشته شد.

در مجموع تعداد ۱۵ نفر از خبرگان دارای ویژگی مطالعات امنیتی شامل ۱۳ نفر دانشجویان دارای مدرک دکتری ۱۱ نفر رشته‌های مرتبط با مباحث امنیتی و ۱ نفر جامعه‌شناسی سیاسی و ۱ نفر رشته معارف اسلامی ۲ نفر دروس خارج حوزه و حقوق در خواست شد ضمن ارائه دیدگاه اصلاحی خود در مورد وزن هر یک از محورها بر اساس نمره ارزیابی ۱ به عنوان حداقل امتیاز (خیلی کم) و ۵ به عنوان حداکثر امتیاز (خیلی زیاد) برای هر محور قضاوت نمایند.

برای سنجش روایی در محیط نرم افزار SPSS از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفای کرونباخ استاندارد کل سوالات ۰/۷۹ استخراج شد که نشان می‌دهد پرسشنامه از روایی مناسب برخوردار است.

نتایج حاصله از ارزیابی خبرگان در جدول شرح زیر است؛

جدول توزیع فراوانی پاسخ به گویه‌ها

ردیف	گویه	بدون پاسخ	۱	۲	۳	۴	۵
۱	امنیت در جمهوری اسلامی دارای ماهیت نرم افزاری است.				۳۳٪	۲۰٪	۴۷٪
۲	حفاظت از اصل نظام سیاسی مهمترین کانون تحلیل امنیت جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.		۷٪			۲۷٪	۶۷٪
۳	«جمهوریت» و «اسلامیت» در قانون اساسی و دو رکن بنیادین نظام در شکل و محتوا نظام است.			۷٪		۱۳٪	۸۰٪
۴	مراجع امنیت مرکز ثقل و معیارهای اساسی و مهم مسائل امنیتی هستند.				۲۰٪	۳۳٪	۴۷٪
۵	مراجع در تحدید(محدود سازی) مسائل امنیتی و بهینه‌سازی مدیریت امنیتی نقش جدی ایفا می‌کنند.	۷٪			۲۰٪	۳۳٪	۴۰٪
۶	گفتمان اسلامی در حوزه امنیت دارای سبقه ایجابی و فرهنگ پایه‌است.				۱۳٪	۴۷٪	۴۰٪
۷	به رغم توجه قانون اساسی به وجه مادی و نهادی و ساختاری نظام اسلامی، به جهت اهمیت وجه فرهنگی در گفتمان اسلامی، توجه و تمرکز بر بعد ذهنی امنیت دارای سبقه و اهمیت و تأکید بیشتری است.		۷٪		۴۷٪	۴۷٪	۲۰٪
۸	در نظام سیاسی مهمترین مراجع امنیت شامل؛ ایده حاکمیت، سرمایه اجتماعی و فرهنگ عمومی است.				۲۰٪	۴۰٪	۴۰٪
۹	ایده حاکمیت در نظام اسلامی اصل ولایت فقیه برآمده از محتوای دین - اصالت و ارجحیت حاکمیت الهی - است.					۱۳٪	۸۷٪
۱۰	مهمترین سرمایه اجتماعی در نظام اسلامی اعتماد، اعتبار، وفاداری و امید نسبت به نظام سیاسی می‌باشد.				۲۷٪	۲۰٪	۵۳٪
۱۱	فرهنگ عمومی در ایران و قانون اساسی شامل؛ هنجارها، ارزش‌ها و اخلاقیات بنیادین دینی - ملی است.			۱۳٪		۳۳٪	۵۳٪
۱۲	افزایش شعور فرهنگی و اجتماعی مردم باعث حفاظت آنها از هنجارها، اخلاقیات و ارزش‌های اساسی در برابر چالش‌ها سیاسی، اجتماعی و امنیتی می‌شود.			۷٪		۵۳٪	۳۳٪
۱۳	وجه نرم افزاری در قانون اساسی دارای اصالت ذاتی است و بر وجه سخت افزاری رجحان دارد.	۱۳٪			۱۳٪	۲۰٪	۵۳٪

۱۴	به دلیل رجحان ماهیت نرم افزاری و فرهنگی انقلاب ۱۱، نظام در معرض آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدهای دائمی قرار دارد.	٪۷				
۱۵	به دلیل رجحان وجه نرم افزاری نظام، امنیت فرهنگی یک دغدغه اساسی در قانون اساسی ج.ا.ا و نظام اسلامی است.	٪۷	٪۷	٪۴۰	٪۴۷	
۱۶	اهمیت ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... در گفتمان اسلامی باعث چندسونگری امنیت در قانون اساسی است.				٪۴۰	٪۱۳
۱۷	احساس امنیت در این گفتمان اسلامی پدیده‌ای درونی، ذهنی، زمینه‌وند و تکوینی تلقی می‌شود				٪۵۳	٪۱۳
۱۸	تکیه بر مردم، مبانی دینی و... باعث شده تا قانون اساسی ج.ا.ا به دنبال تقویت درونی و ذهنی کردن احساس امنیت باشد.				٪۶۰	٪۳۳
۱۹	در قانون اساسی؛ حاکمیت الهی به عنوان آرمان، باعث در وجه ذهنی امنیت، منبع ایده حاکمیت نظام شده است.				٪۴۰	٪۲۰
۲۰	جمهوریت و اسلامیت در وجه ساختاری امنیت ج.ا.ا منشأ سرمایه اجتماعی (اعتبار، منزلت، وفاداری و امید) نظام است.	٪۷	٪۷	٪۳۳	٪۵۳	
	متوسط امتیازات	٪۲	٪۱	٪۱۵	٪۳۶	٪۴۶

نتیجه‌گیری

با توجه به دستاوردهای مقاله حاضر، امنیت در گفتمان اسلامی دارای سبقه «ایجابی» و «فرهنگ پایه» است و از آنجا که دو رکن بنیادین شکل و محتوا در نظام اسلامی و قانون اساسی «جمهور محوری» و «اسلام محوری» نظام است؛ بنابراین مراجع امنیت (اندیشه‌ی حاکمیت، سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگ عمومی) دارای تعریف و مصادیق ویژه‌ای است. اندیشه حاکمیت در نظام اسلامی «اصل ولایت فقیه» برآمده از محتوای دین - اصالت و ارجحیت حاکمیت الهی است و مهم‌ترین سرمایه‌ی اجتماعی نظام؛ اعتماد، اعتبار، وفاداری و امید نسبت به نظام سیاسی است و فرهنگ عمومی در ایران شامل؛ ارزش‌ها، اخلاق و هنجارهای دینی - ملی که در متن و محتوای قانون اساسی جاری و ساری است؛ بنابراین به رغم اینکه قانون اساسی به وجه مادی و نهادی و ساختاری جامعه اسلامی توجه دارد، اما به جهت اهمیت وجه فرهنگی در گفتمان اسلامی، توجه به بُعد ذهنی امنیت به عنوان زیربنای وجوه دیگر، دارای سبقه، اهمیت و تأکید بیشتری است.

در مجموع، سطوح مختلف نظریات امنیتی جمهوری اسلامی به صورت خودآگاهانه و ناخودآگاه، مستقیم یا غیرمستقیم، با مبانی و بنیان‌های اندیشه‌ای متناسب با خود - که منتج از مکتب اسلام، اخلاق و

ارزش‌های مذهبی از جمله توحید به عنوان مرجع اصلی است - ارتباط پیدا می‌کند. و این سطوح، ضمن برخورداری از پیچیدگی زیاد، با استعانت از دو راهنمای درونی « فطرت و عقل » و راهنمایی بیرونی «امام و رهبر دینی» مسیر رشد و تعالی انسان به سوی کمال و سعادت را هموار می‌سازد. در این مسیر است که لایه‌های مختلف امنیتی جمهوری اسلامی ایران به ویژه مراجع آن، از مهم‌ترین گزاره‌های هستی‌شناسی توحیدی، تأثیر می‌پذیرد. با تکیه بر همین تأثیرات، می‌توان نتیجه گرفت که ماهیت امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی دارای چند ویژگی بارز است. که عبارت انداز:

۱- تکیه بر ابعاد نرم افزاری امنیت: توجه به آرمان‌های بشری، از طریق تأکید حاکمیت خدا و

منصوبین مورد تأیید او و احکام منبعث از وحی و سنت مسلط بر سرنوشت مادی و معنوی انسان که خود زمینه‌ساز تأمین امنیت بشر در زندگی مادی و معنوی است. بر اساس مفاهیم دیگری همچون توسعه قسط و عدالت اجتماعی بر پایه حکومت صالحان در بسیاری از اصول قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است.

۲- امنیت فرهنگ پایه: تمرکز بر هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی منبعث از آیات،

روایات و سنن انبیاء و اولیاء الهی که در قانون اساسی با هدف تأثیرگذاری بر ادراک، احساسات و گرایش مخاطبان طراحي و گنج‌ایده شده است.

۳- چند سو نگرى در امنیت: اهمیت ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... در گفتمان اسلامی باعث

شده است که احساس امنیت در این گفتمان پدیده‌ای درونی، ذهنی، زمینه وند و تکوینی تلقی شود و به همین دلیل، طراحان قانون اساسی نظام اسلامی تلاش زیادی نموده‌اند تا ابعاد مذکور را در بسیاری از اصول قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد.

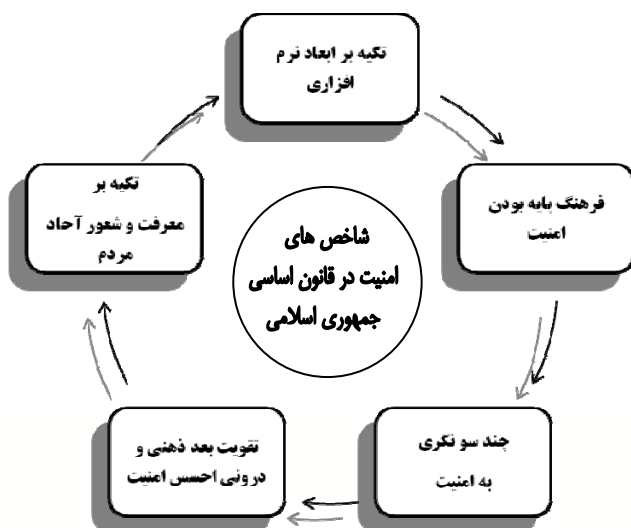
۴- تقویت بعد ذهنی و درونی کردن احساس امنیت: اتکا بر مردم، تکیه بر مبانی دینی و حفظ

کرامت و ارزش و آزادی مردم، عدم تبعیض، توسعه عدل و قسط، ایجاد شرایط مساعد در رشد فضایل، محو هرگونه استبداد، استثمار و استعمار، حمایت از مذاهب اسلامی و اقلیت‌های دینی، تأمین حقوق و امنیت جامعه و... با هدف تعمیق امنیت در عمیق‌ترین لایه‌های فکری، روحی و جسمی انسانی آحاد جامعه مورد توجه قرار گرفته است.

۵- تکیه بر شعور و معرفت آحاد مردم: با توجه به اتکای نظام اسلامی بر باورهای اعتقادی و

هنجارهای فرهنگی در کنار قدرت انتخاب گری مردم، قانون اساسی جمهوری اسلامی، نظام را برآمده از مردم و برای مردم تلقی نموده است به همین دلیل نقش ملت را مهم‌ترین عنصر حفاظت از هنجارها، اخلاق و ارزش‌های اساسی و تضمین کننده امنیت ملی می‌داند. نقشی که محصول شعور فرهنگی و

اجتماعی مردم در مورد چگونگی حمایت از قوانین (اعم از اساسی و وضع شده) و مقابله با چالش‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی در جامعه است. در مجموع امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای پنج شاخص اصلی در هم تنیده و مکمل است که در شکل زیر به نمایش گذاشته شده است:



کتابنامه

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳) *مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت: گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۷، شماره مسلسل ۲۵ (پاییز)، صص ۴۵۱-۴۲۵.
- افتخاری، اصغر و همکاران (۱۳۸۷) مقاله؛ *دو چهره قدرت نرم*، کتاب مجموعه مقالات؛ قدرت نرم و سرمایه‌های اجتماعی، تهران؛ دانشگاه امام صادق علیه السلام و تحقیقات بسیج، نوبت اول
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱) *امنیت، مجموعه مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی*، دانشگاه امام صادق علیه السلام، نوبت اول
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲) *تقریرات کلاس تهدیدات نرم*، دوره ۱۱ تهدیدات امنیت ملی، تهران؛ دانشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی
- باقری، سیامک، یوسفی، جعفر (۱۳۸۷) *مهندسی عملیات روانی، بازخوانی مطالعات و اندیشه پردازی*، ویژه نامه تأثیر تهران؛ معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح
- بوزان، باری (۱۳۷۸) *مردم، دولت‌ها، هراس*، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۶) مقاله؛ *مدخلی بر مفاهیم و رویکردهای امنیت ملی*، کتاب: «مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی»، تهران، ناشر: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، زمستان، چاپ اول، جلد دوم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) *لغت نامه*، جلد ششم، تهران؛ مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، نوب اول
- ره پیک، سیامک (۱۳۹۰) *تقریرات کلاس تهدید نرم*، دوره نهم تهدیدات امنیتی، تهران؛ دانشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی
- شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۵) *قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی آسیب‌ها و بایسته‌ها* (گفت و گو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه)، قم؛ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نوبت اول
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۵) *بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن*، تهران؛ فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره ۳۳، فصل پائیز
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۷) *کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران؛ مجمع علمی و فرهنگی مجد، نوبت سوم

قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۲) *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، جلد اول تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران،

نوبت چهارم

گروه مطالعاتی امنیت (۱) (۱۳۸۷) *نظریه امنیت جمهوری اسلامی ایران*، تهران؛ دانشگاه عالی دفاع ملی

نوبت اول

گروه مطالعاتی امنیت (۲) (۱۳۸۷) *تهدیدات قدرت ملی، شاخص‌ها و ابعاد*، تهران؛ دانشگاه عالی دفاع

ملی نوبت اول

لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹) *مقولاتی در استراتژی ملی*، تهران؛ مرکز ترجمه و نشر کتاب

طالع خرسند، هادی (۱۳۹۰) *قانون اساسی جمهوری اسلامی*، تهران؛ انتشارات خرسند، نوبت چهارم

مندل، رابرت (۱۳۸۷) *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی، نوبت سوم

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۷) *بررسی ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران؛

پژوهشکده مطالعات راهبردی، گزارش پژوهشی، شهریور

ویژه، محمدرضا (۱۳۸۶) *قواعد تفسیر قانون اساسی*، تهران؛ دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و

علوم سیاسی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، شماره ۲۲ بهار و تابستان